



حمید اشرف تجسم اراده خلل ناپذیر فدایی خلق

هشتم تیر ۱۳۵۵، پس از ابرده، محمد مهدی فوقانی، گذشت شش سال از حیات خونبار غلامعلی خراطپور، علی اکبر

سازمان، جنبش نوین کمونیستی و زیری به شهادت رسیدند. ایران بار دیگر با یکی از دستگاههای پلیسی - ضربات سهمناک و کاری مواجه ارتجاعی رژیم شاه با صـرف گردید. خبر شهادت تعدادی از مخارج کلان و پراوان انداختن اعضا و کاررهای سازمان بوق و کرنای تبلیغی بسیار چریکهای فدائی خلق ایران به عبث کوشید تا چنان جلوه که توسط روزنامه‌های رسمی دهد که بردشمن سرسخت خود رژیم به گوش جهان نیان رسید، فائق آمده است و تلاش نمود توده‌های زحمتکش میهن‌مان این را پایان زندگی پر جوش و خروش "فدائی خلق" قلمداد فروبرد.

طی یک درگیری چند که میزان قدرت، وسعت و نفوذ ساعته رفیق کبیر حمید اشرف، اجتماعی سازمان دهها برابر یکی از بنیانگذاران و رهبران آن چیزی بود که رژیم تصور برجسته سازمان به همراه تنی می‌کرد. بذری که افشانه شده چند از هم‌زمانش، رفقا: یوسف بود و با خون گرم حمید آبیاری قانع خشکه بیجاری، غلامرضا شد، پس از گذشت پنج سال از لایق مهربانی، رضا یثربی، کوران سخت مبارزه به درخت فاطمه حسینی، محمد حسین حق - تنومندی مبدل گشته بود که نواز، طاهره خرم، عسگر حسین هیچ نیروئی رایا رای درهم

شکستنش نبود.

سلسله ضربات سال ۵۴ - ۵۵ و پیا مدهای پس از آن علی - رغم لطمات سنگین و جدی اش را از شکست ناپذیری "فدائی خلق" رافاش نمود، اگر چه در این ضربات رفقای ارزنده‌ای چون حمیده شهادت رسیدند، رهبر کبیری که برآستی تجسم واقعی عزم پولادین هزاران انسان کمونیست، که فداکارانه در راه آرمان والای کارگران و زحمتکشان از هیچ‌گونه جان - فشانی و قهرمانی دریغ نمی‌ورزند، بود. اما با این ضربه هیچ‌گونه توقفی در حرکت پیروزمند "فدائی" ایجاد نگردید و سازمان که در میان

بقیه حمید اشرف...

خون و آتش نطفه بسته بود و به بهای خون صدها فدائی، کار - گران و زحمتکشان، پابرجا و شکست ناپذیر در مسیر رسالت خونین خودگانها ده بود به عنوان تنها سازمان اجتماعی قابل اعتماد و پرنفوذ در اعماق قلب توده ها جای گرفته بود و دیگر به دژ تسخیرناپذیر مبارزه انقلابی توده ها مبدل گشته بود.

حمید در زندگی انقلابی - اش نمونه بارز یک انسان طراز نوین و قهرمان پایداری و مقاومت بود. او طی ۱۳ سال فعالیت انقلابی و مبارزاتی - اش به یک سازمانگر و روزی - تبدیل شده بود و عالیترین - خصائل و قابلیت های انقلابی را در خود پرورش داده بود. او به خلق و همزمانش عشقی عمیق میورزید و با آنانی که در حین روبرویی با واقعیت های عینی و عملی دچار تردید و متزلزل گشته و یا در حرکت پرنسیپ های تشکیلاتی را لگدمال می نمودند، برخوردی قاطع و بیرحم می نمود و مدافع جدی نظم انقلابی تشکیلات بود. رفیق حمید اشرف مصمم و خستگی - ناپذیر بر موازین اعتقادی سازمان پای میفشرد و هرگز لحظه ای در امر انجام وظایف انقلابیش دچار تردید و متزلزل

نمیگشت و همواره بر آن بود تا ما رکسیسم - لنینیسم را در زندگی واقعی به مرحله اجرا در آورد. زیرا که اعتقاد داشت محک درستی و صحت مفاهیم ما رکسیسم پرا تیک عینی واقعی است.

رفیق حمید طی گذشت شش سال از زندگی پرتپش و خونین سازمان، بویژه پس از ضربات سال ۵۰ که سازمان در محاصره انواع فشارها قرار گرفته بود با اراده ای خلل - ناپذیر بارها و بارها سازمان را از نواحی نمود و با قدرت شگرف سازمانگری اش تشکیلات را با سازی کرد و فشار ربار مسائل را در شرایط زندگی مخفی بجان خرید. او با درک واقعیتها و محدودیتهای عینی و مادی و شناخت اسلوب مناسب و عملی و ارائه آن، شرایط لازم و کافی را برای پیشبرد حرکت سازمان مهیا می نمود. او با ثبات قدم، به استواری کوه در مقابل سختیها و دشواریها می ایستاد. حمید نقش سازمان و اهمیت بقا آن و ضرورت ادامه کاری یک تشکیلات کمونیستی را با تمام وجود درک نموده بود و به نقش و اهمیت کارها و قوای یک سازمان ادامه کار اعتقاد عمیق داشت. او با هرگونه شتابزدگی در عمل و عدم شناخت پارامترهای موجود به

مقابله بر می خاست. تمیز بینی ابتکار و خلاقیت، ابتداء و تمحر در برگزیدن تاکتیکهای مناسب به حمید قدرت توانایی خاصی در برخورد با پلیس - بخشیده بود. معروف است که رفیق حمید بگونه ای قهرمانا - نه و معجزه آسا، شانزده بار تورپلیس را در هم شکست و شجاعانه از محاصره و مهلکه مزدوران جان سالم بدر برده بود.

دوران پرتلاطمی که طی هفده سال فعالیت، سازمان از سر گذرانده، سرشار از اشتباهات فرازونشیبها و شکست و پیروزی است. اما آنچه مهم است و حمید نیز به آن معتقد بود، همانا برخورد خلاق با مسائل، بهره گیری و جذب تجارب، حفظ نکات مثبت و طرد اشتباهات است. همان چیزی که حمید در زمینه آن توانایی و آمادگی فوق العاده ای داشت، همچنانکه می گفت:

"هرگز بدون تجربه و عمل و ارتکاب اشتباهات نمی توانستیم رشد کنیم. تا رنج تمام انقلابات نشان می دهد که چگونه جنبش ها افت و خیز بسیار داشته اند و تا چه حد مرتکب اشتباهات کوچک و بزرگ شده اند و آسیبهای بزرگی دیده اند ولی پس از بروز شکستها با بهره گیری از تجارب و نقد آن

مجدداً به سرپا برخاسته اند. " اگر حمید رهبر برجسته ای که در سخت ترین شرایط مبارزاتی با قاطعیت و شکیبائی کمونیستی سازمان راهبری می کرد، به شهادت رسید، لیکن خون حمید در رگهای صدها رفیق فدائی که در سنگر مستحکم سازمان برای دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان به مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری به پا خاستند در جریان بود و فدائی خلق مظهر ایمان سرشار به توده ها، فداکاری و از خود گذشتگی کمونیستی زنده میوه در ادامه خط سرخ خون حمید، راه پرفراز خود را تا کنون سیر نموده است.

وضعیت سازمان بویژه در سالهای اول انقلاب مرهون نتیجه فداکاریها و تجسم قهرمانیها و مقامهای رفقای نظیر حمید اشرف بود. پس از گذشت یک دوران طولانی باید از این همه مقاومت و قهرمانی ها و شکیبائی درس گرفت. این تجربیات برای سازمان که از نخستین سالهای آغاز فعالیت خود به یک جریان واقعی و اجتماعی تبدیل شده از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بخصوص که این تجربیات به بهای سنگین بدست آمده است.

ضربات سال ۵۵ و پیاپی - های آن آموخت که نباید از شکستهای مقطعی هراسید. بایستی از تجارب آن دژهای مقاومت ساخت و در راه دست یافتن به اهداف انقلابی با درک و ایمان محکم به حقانیت تاریخی خود تدارک سنگرهای پیروزی را دید. کسانی که با افت و خیز جنبش متزلزل می گردند و یک چرخش کامل در مسیر حرکتشان پدید می آید، کسانی که با برآمدن جنبش نمایان می گردند و با افت یا شکست جنبش دچار رخوت و کسالت گشته و به خواب می روند و یا بدلیل کج اندیشی و عدم درک محدودیتهای عینی و مادی و امکانات عملی سازمان از نفس افتاده و سنگر را خالی می کنند، نه تنها یک فدائی رزمنده و کمونیست نمی باشند، بلکه صرفاً انقلابی نماهای ترسوئی هستند که با درآرامش دریا ملاحظاتی را آموخته اند و یا بدنبال آمال خرده بورژوازی خود برای یافتن جایگاهشان سرگردانند. ضربات سال ۵۴ - ۵۵ و انشعابات پس از آن نشانگر یک واقعیت انکارناپذیر می باشد و آن اینکه متناسب با تغییر و تحولات درونی جامعه و صف بندی نیروهای اجتماعی سازمان نیز مسیر پویا و بالنده خویش را طی نموده و در هر مرحله و هر تندپیچ صوفش فشرده تر و انسجامش قوی تر گشته است. سازمان با تصفیه همه و هرگونه گرایش خرده بورژوا منشانه پیگیر و سرسخت بر مبنای الزامات کنونی جنبش با تعیین استراتژی و تاکتیک مشخص و روشن در راه ایجاد یک سازمان پرولتاریا، حزب طبقه کارگر گام بر می دارد. امروز واقعیت های درونی جنبش صحت خط و مشی، برنامه و سیاستهای انقلابی سازمان را به اثبات رسانیده است، هیچ نیروئی ریاکاری مقابل به عزم و اراده خدشه ناپذیر سازمان در امر پیشبرد وظایف انقلابی و کمونیستی اش نیست. اما هنوز راه درازی در پیش است. راهی که چه بسا توأم با شکستها و پیروزیهای شود. مهم نیست، مهم این است که هنوز سنتها و ارزشهای انقلابی در درون سازمان زنده است و هزاران رفیق فدائی در میان دریای بیکران توده ها با تمام وجود با نیروی ایمان و شور و شوق انقلابی به مبارزه ادامه می دهند و چون حمید رهبر کبیر سازمان تا واپسین دم حیات در سنگر باقی می ماند و یک لحظه در ادامه راه خود تردید نمی کنند و با مشاهده هر نا ملایمتی نه تنها جا نمی خورند بلکه پرتوان تر بر تحرک و فعالیت

لنین

درباره

تولستوی



تولستوی و جنبش نوین کارگری

کارگران روس، عملادر
تما مشهرهای بزرگ روسیه،
عکس العمل خود را نسبت به
مرگ ل. ن. تولستوی و، به نحوی
از انحاء، نظر خود را درباره
نویسنده ای ابراز کردند که
خالق بسیاری آثار هنری
جشمگیر می باشد. آثاری که او
را در رده بزرگترین نویسندگان
جهان قرار داد، درباره متفکری
که با قدرت فراوان، اعتمادیه
نفس، و صداقت سئوالهایی را
در رابطه با نموده های اساسی
نظام نوین سیاسی و اجتماعی

مطرح نمود. بطور کلی این نظر
در تلگرام مندرج در روزنامه ها
که از طرف نمایندگان کارگری
در دوما ی سوم فرستاده شده
بود، اظهار رگشته است.
ل. تولستوی فعالیت
ادبی خود را زمانی آغاز کرد
که سرواژهنوز وجود داشت، اما
به آخرین روزهای زندگی اش
نزدیک می شد. فعالیت اساسی
تولستوی به دوره بیست و دو
چرخشگاه تاریخ روسیه - ۱۸۶۱
و ۱۹۰۵ - تعلیق دارد. در طی این
مدت، اثرات سرواژ و بقایای
مستقیم آن در سراسر زندگی
اقتصادی (بویژه در نواحی

روستایی) و سیاسی کشور بخش
شده بود. و، در عین حال، این
مدت، دوره رشد سریع سرمایه -
داری، از پائین، و پیاپی کردن
آن، از بالا، بود.
بقایای سرواژ درجه
چیزی به حیات ادا می دادند؟
بیشتر و واضحتر از همه در این
حقیقت که در روسیه، که چا معه -
ای عمدتاً زراعی بود،
کشاوری حرفه دهقانان مفلوک
و بی نوایی بود که با شیوه های
عهد عتیق و ابتدایی، بر روی
تقسیمات کهنه فئودالی که در
سال ۱۸۶۱ به نفع زمینداران
مشخص شده بود، کار می کردند و

از طرف دیگر کشاورزی در دست زمیندارانی بود که در روسیه مرکزی، بوسیله نیروی با زوی شخمهای جویی و اسب دهقانان درازاء "زمینهای تقسیم شده" چراگاهها، و دسترسی به ذخیره آب و ... بر روی زمین کشت می کردند. این سیستم از همه نظریک نظام اقتصادی کهنه فئودالی بود. در سراسر این دوره، سیستم سیاسی روسیه نیز به تمامی فئودالی بود. این امر از قانون اساسی دولت پیش از نخستین حرکت های سال ۱۹۰۵ برای تغییر آن هویدا است، همچنین از نفوذ فراوان اشراف زمینداران و امور دولتی و از قدرت نامحدود ما مورین رسمی، بویژه در دردهای بالایی، از اشراف زمیندار بودند.

پس از ۱۸۶۱، این روسیه پدرسالار کهن، زیر نفوذ سرمایه داری جهانی، سرعت روبه تجزیه نهاد دهقانان گرسنه بودند، می مردند، و زندگی شان بیش از پیش تباہ می شد، و زمینهای خود را رها کرده، به شهرها می گریختند. از صدقه سر "کارارزان" دهقانان سیه روز خطوط آهن بسیاری کشیده شد و کارخانه های فراوانی تاسیس گشت. سرمایه بزرگ مالی، به همراه تجارت و صنعت، در مقیاس بزرگی در روسیه در حال

تکامل بود.

این ویرانی سریع، دردناک و شدید تمام می "ستون" های قدیمی روسیه کهن بود که در آثار تولستوی هنرمند و در اندیشه تولستوی متفکر منعکس شده بود.

تولستوی دربار روسیه روستایی و شیوه زندگی زمینداران و دهقانان آگاهی فراوانی داشت. در آثار هنرمندان اش، شرحی از این زندگی را بدست داد که جزو عالیترین آفریده های دنیای ادب بشمار می رود. ویرانی همه جانبه تمام می "ستونهای کهن" روسیه روستایی توجه او را جلب کرد و علاقه اش را به آنچه در اطرافش بوقوع می پیوست شدیدتر ساخت و این، به تغییری اساسی و بنیادی در کلیت جهان بینی اش منجر گشت.

تولستوی از نظر نسب و تحصیلات به بالاترین رده اشرافیت زمیندار روسیه تعلق داشت. وی از تمامی نظریات مرسوم چنین محیطی برید و در نوشته های بعدی خود، سرپای رژیم معاصر، کلیسا و نهاد های اجتماعی و اقتصادی - که بنیان شان بر اسارت توده ها، برفقرشان، بر تیره روزی دهقانان و همه خرده مالکین، برفشار و رویکاری که سرپای زندگی معاصر او بر می گرفت، قرار داشت - را

با انتقادی تند و کوبنده مورد حمله قرار داد.

انتقاد تولستوی تازه نبود. او هیچ چیزی نگفت که مدتها پیش از وی - چه در ادبیات اروپایی و چه در ادبیات روسی - توسط دوستان مردمان کارگربیان نشده بود اما یگانگی نقد تولستوی و اهمیت تاریخی آن در اینست که نوشته های او، با قدرتی که تنها از آن هنرمندان نابغه است، به بیان تغییرات عمیقی پرداخت که در افکار وسیع ترین توده های مردم روسیه این دوره یعنی روستائیان و کشاورزان در حال وقوع بودند. انتقاد تولستوی از نهادهای معاصر با انتقاد نمایندگان جنبش نوین کارگری از این نظر اختلاف دارد که دیدگاه تولستوی همان دیدگاه کشاورز پدرسالار بی ریائی بود که تولستوی روانشناسی اش را وارد نقد و آموزه (Doctrine) خود کرد. انتقاد تولستوی از آنچنان توان عاطفی، شور، قدرت اقناع، تازه گی، صمیمیت و بیباکی در "دست به ریشه بردن" برای یافتن دلیل پریشانی توده ها، تنها به این دلیل برخوردار است که این انتقاد بواقع تغییرات اساسی در عقاید میلیونها کشاورز را بیان می کند که به تازه گی از فئودالیسم رهایی

یافته بودند و مشاهده کرده بودند که معنای آزادی، هراسی نواز سیه روزی، مرگ از گرسنگی بی خانمانی در میان اقشار پائینی جمعیت شهر نشین، و شرایطی از این قبیل می باشد. تولستوی احساسات آنانرا با چنان درجه ای از وفاداری منعکس کرده بود که بی ریایی، بیگانگی از زندگی سیاسی، درویش مسلکی، تمایل به کناره گیری از دنیا، "مقاومت ناپذیری در مقابل شر"، و نفرین عا حزاندهقانان علیه سرمایه داری و "قدرت پول" جزئی از آموزه اش گشته بودند. اعتراض میلیونها دهقان و یاشان - اینها درآموزه تولستوی جمع شده بودند.

نمایندگان جنبش نوین کارگری درمی یابند که دلایل بسیاری برای اعتراض، اما علتی برای یاس ندارند. یاس، ویژگی طبقات میرامی - باشد، اما طبقه کارگران روز - مزد، در همه کشورهای سرمایه داری از جمله در روسیه، بطور اجتناب ناپذیری رشد می کند، تکامل می یابد و قوی می شود. یاس ویژه آنها نیست که دلایل وجودش را درک نمی کنند، راه برون رفتی نمی یابند و توان مبارزه ندارند. پرولتاریای نوین صنعتی به اینگونه طبقات تعلق ندارند.

ناش پوت، شماره ۷
۲۸ نوامبر ۱۹۱۰
امضا: و. ای. لنین

مجموعه آثار - جلد ۱۶
صفحات ۳۲-۳۳

تولستوی و مبارزه پرولتری

کیفرخواست تولستوی از طبقات حاکمه با قدرت و صداقت فراوانی تنظیم شده بود، وی با صراحتی کامل از دروغ باطنی تمامی نهادهایی که جا معاً مروزی را سرپا نگه می دارند - کلیسا، دادگاههای قانون، نظامیگری، زناشویی "قانونی"، علم بورژوازی - پرده برداشت. اما آموزه او کاملاً مخالف زندگی، کار و مبارزه گورکنان نظام اجتماعی نوین - پرولتاریا - از آب در آمد. پس نقطه نظرات جه کساننی در تعلیمات تولستوی منعکس است؟ از لابلای لیسان وی، جمعیت کثیری از مردم روسیه صحبت می کرد که علیرغم اینکه از آریایان زندگی جدید نفرت داشت، اما هنوز به مرحله مبارزه هوشیارانه، پیگیر، مصمم و پایداری علیه آنان پیشرفت نکرده بود.

تاریخ و پی آمد انقلاب کبیر روسیه (۱) نشان داد که آن جمعیت کثیر، دقیقاً توده ای بوده که خود را بین پرولتاریا

برخوردار از آگاهی طبقاتی و سوسیالیست و مدافعین سر سخت رژیم کهن یافت. این توده که اکثراً از دهقانان تشکیل شده بود، در جریان انقلاب نشان داد که حق در تنفرش از نظام کهن شدید است، که حق در احساسش از آلام رژیم نوین شدید می باشد، و آرزوی خود انگیزه اش برای رهایی از آن نظام و دستیابی به زندگی بهتر چه بی تابانه است.

اما در عین حال این توده در انقلاب نشان داد که تنفرش به قدر باید و شاید از آگاهی سیاسی بهره نداشت، که در مبارزه اش پیگیر نبود و خواسته اش برای زندگی بهتر جارجوب محدودی داشت. این اقیانوس عظیم انسانی، که تا ژرفایش متلاطم بود، با همه ضعفها و تمامیه جنبه های قدرتش، انعکاس خود را درآموزه تولستوی یافت. طبقه کارگر روسیه، با مطالعه آثار ادبی تولستوی، دشمنش را بهتر خواهد شناخت. اما تمامی مردم روسیه، در سنجش آموزه تولستوی، ناچار از درک این خواهند بود که ضعفشان در کجاست، ضعفهایی که به آنها محال آنرا ندانند تا رهائیشان را به ثمر برسانند. درک این نکته برای پیشروی ضروری بوده که خود را بین پرولتاریا است.

این پیشروی، توسط همه کسانی که تولستوی را "وجدان جهانی" و "موزگار زندگی" خوانده اند به تاخیر افتاده است. این دروغیست که لیبرالها، آگاهان بدان دامن میزنند تا بنوانند جنبه ضد انقلابی آموخته تولستوی را بکار بگیرند. برخی از سوسال دمکراتهای سابق نیز، به پیروی از لیبرالها، این دروغ درباره تولستوی به عنوان "موزگار زندگی" را تکرار می کنند.

مردم روسیه، تنها زمانی رهایی خود را تضمین می کنند که این نکته را دریافته باشند که از تولستوی نیست که پیروزی زندگی بهتر را باید بیاموزند، بلکه از طبقه ای باید این درس را فراگیرند که تولستوی به اهمیتش پی نبرده بود، و فقط آن طبقه است که قادر به ویران ساختن آن دنیای کهنی است که تولستوی آنچنان بدان کینه می ورزید. آن طبقه، پرولتاریاست.

(۱) منظور از انقلاب ۷ - ۱۹۰۵ روسیه است

رابوچا پاگازتا، شماره ۲
۱۸ (۳۱) دسامبر ۱۹۱۰
مجموعه آثار، جلد ۱۶
صفحات ۴ - ۳۵۳

بقیه مروری بر ...

آمار دولتی.

(۱) مصطفی کمال حکومت بورژوازی خود را لائیک اعلام کرد و در مقابل امپراطوران عثمانی که خود را خلیفه اسلامی می نامیدند، سیاست بورژوازی در پیش گرفت. اما با بهره گیری از نقش ارتجاعی مذهب در به انحراف کشاندن قیام توده ای بهمن ۵۷ در ایران امپریالیست ها را بر آن داشت تا در کودتای ۱۹۸۰ ترکیه از عامل بازدارنده و ارتجاعی اسلام نیز در نجات سرمایه ممد گیرند.

(۲) در ترکیه از سال ۱۹۶۰ تا کنون ۵ کودتای نظامی انجام گرفته و نیروهای مسلح به منظور نجات سرمایه هر ۵ سال خود را تا چاربه مداخله مستقیم دانسته اند که از این ۵ کودتا ۳ کودتا ناموفق بوده است.

(۳) اوزال بجای دمیرل مسئول گردید تا نقش نامتوای وی را در خدمت به سرمایه بزرگ به اتمام رساند و حزب عدالت دمیرل به حزب مادر وطن اوزال استحاله یافت. حزب عدالت که پس از کودتا ظاهراً منحل گردیده بود، اعضای حزب مادر وطن و حزب راه راست بوجود آوردند.

(۴) یینی عصیر (Yeni asir) ۴ ژوئن ۱۹۸۶ (۵) سالنامه ۱۹۸۴ - انستیتو ریزی دولتی.

(۶) روزنامه جمهوریت ۲۲ وریل ۱۹۸۶ (۷) این سندیکا وابسته به کنفدراسیون اتحادیه های قانونی - فرمایشی کار - ترک (TURK-IS) می باشد. (در مورد کار - ترک به توضیح شماره ۳۶ مراجعه شود.) (۸) یینی عصیر (Yeni asir) ۲۵ مه ۱۹۸۶ - گزارش سالانه سندیکای پترول - ایش. (۹) از سخنرانی "دوغو - پرینچک" (Dogo Perincek) در کنفرانس ویژه (PETROLIS) "مجله ساچاک" - شماره ۲۹ تاریخ ژوئن ۱۹۸۶ (۱۰) روزنامه دیلی نیوز ترکیه به زبان انگلیسی روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ نوامبر ۱۹۸۴ (۱۱) یینی عصیر - دوم ژوئن ۸۶ (۱۲) روزنامه دیلی نیوز ترکیه ۲۷ و ۲۸ و نرخ دلار نسبت به لیر در سال ۱۹۸۴ در نظر گرفته شده است.

(۱۳) دیلی نیوز ترکیه - ۲۸ نوامبر ۱۹۸۴ (۱۴) دیلی نیوز ترکیه روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ نوامبر ۱۹۸۶ (۱۵) جمهوریت ۲۹ مه ۱۹۸۶ (۱۶) دیلی نیوز ترکیه ۲۶، ۲۷ و ۲۸ نوامبر ۱۹۸۴ (۱۷) جمهوریت ۲۳ ماه مه ۱۹۸۶ (۱۸) آمار تشکیلات برنامه - ریزی دولتی.

مصوبات کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی

نظریه اینکه مصوبات کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در زمینه تجدیدنظرطلبی در مارکسیسم - لنینیسم و نفی جوهر انقلابی آن، از اهمیت بسزائی برخوردار است و با توجه به این موضوع که احزاب و سازمانهای، چه در صف انقلاب و چه در جبهه ضد انقلاب، رسالت دفاع از این تزه های انحرافی را به عهده گرفته و آن را به عنوان مارکسیسم - لنینیسم اصیل و خلاق تبلیغ می نمایند، ما از این شماره به بعد مبارزه درت به چاپ این مصوبات می نمایم، باشد تا این اقدام ما هر چه بیشتر نقاب از چهره رفرمیستها و اپور - تونیستها، این دشمنان حشیش کارگری بگشاید. "جهان"

و همکاری نزدیک شوروی با سایر کشورهای سوسیالیستی است.

نقش حساسی را بازی کرده اند.

کنگره اقدامات صحیحی را که ک.م.ح.ک.ش در زمینه

صنعت و کشاورزی در دوره گذشته

اتخاذ نموده تا اید می کند و معتقد است که این اقدامات

قدیمی به پیش در راه افزایش قدرت کشور، شکوفایی اقتصاد

سوسیالیستی و افزایش قابل توجه رفاه و آسایش مردم شوروی

است.

کنگره تصریح می کند که فعالیت پرثمر ک.م.ح.ک.ش،

اساساً بر روی پیاده کردن خلاقانه مکتب م.ل در حیطه عمل

بر روی حفظ پرنسیپهای لنینیستی رهبری دسته جمعی

و دمکراسی داخلی حزب، و بر روی اجرای مداوم رهنمودهای

لنین مبنی بر اتحاد شکست -

سیرو قایع عمومی در مجموع به روشنی تغییرات

بنیادی را در پیشرفت اوضاع بین المللی در جهت تشدید

مواضع سوسیالیسم نشان می -

پس از شنیدن و به بحث

گذاشتن گزارش فعالیت کمیته

مرکزی حزب کمونیست شوروی

که توسط دبیرکل کمیته مرکزی

حزب، ن.خروشچف قرائت شد،

کنگره بیستم ک.م.ح.ک.ش تصمیمات

زیر را اتخاذ نمود:

- تأیید کامل خط سیاسی

و فعالیت عملی ک.م.ح.ک.ش

- تأیید پیشنهادات و نتایج

ک.م.ح. در مورد گزارش فعالیتها

کنگره در کمال رضایت

پیشرفتهای قابل توجهی را

در مبارزه برای ساختمان

کمونیسم در شوروی و برگزاری

صلح در سراسر جهان مشاهده

نمود، در این مورد سیاست

لنینیستی ک.م.ح. و دولت

شوروی، تلاشهای مردم این کشور

دهد. خروج سوسیالیسم از چار-
چوب یک کشور و تبدیل آن به
یک سیستم جهانی از یک سو و
عدم توانایی در جلوگیری از
گسترش این امر در یک پروسه
تاریخی از خطوط اساسی عصر
ما می باشد. در شوروی، همچنین
در جمهوری خلق رومانی، در
جمهوری خلق بلغارستان، در
جمهوری خلق آلبانی، در
جمهوری دمکراتیک آلمان، در
جمهوری دمکراتیک کره،
در جمهوری خلق مغولستان و
در جمهوری دمکراتیک ویتنام
امر شکوفایی اقتصادی و
فرهنگی، آسایش و رفاه کارگران
و زحمتکشان، اتحاد سیاسی و
فردی (روحی) خلقها ادامه
داشته و توده های مردم هر روز
بیش از پیش به احزاب کمو-
نیست و کارگری و حکومت های
انتخابی خود نزدیک می شوند.
در یوگسلاوی پیشرفتهای مهمی
در امر ساختن سوسیالیسم
انجام می گیرد. در کشورهای که
در مسیر سوسیالیسم قرار دارند
شکوفایی اقتصادی برپایه
سالمی دنبال می شود و همزمان
با آن همکاری نیز برپایه
برابری و کمک برادرانه، هر
روز افزایش می یابد.

کشورهای کاپیتالیستی
که اکنون سطح کمتری از جهان
را اشغال می کنند باز هم در
درون خود دچار تضادهای عمیقی

هستند. شکوفایی تولیدی
کاپیتالیسم که پس از جنگ، در
ده سال اخیر به علی نظیر
نظامی شدن اقتصاد و فروش
اسلحه، تشدید گسترش اقتصادی
در حیطه جهانی، تجدید سرمایه
ثابت و افزایش استثمار
کارگران انجام گرفت قادر به
ثبات اقتصاد کاپیتالیستی
نبود و برعکس، اقتصاد
کاپیتالیستی باز هم بی ثبات
شد. بحران عمومی سیستم
کاپیتالیسم روز بروز وخیم تر
می شود. عمیق ترین تضاد
کاپیتالیسم یعنی تضاد میان
وضعیت فعلی نیروهای مولده
و مناسبات تولیدی کاپیتالیسم
لیسم روز بروز شدیدتر می شود.
تضاد میان دول کاپیتالیستی
در مورد بازارهای جهانی و
مناطق تحت نفوذ بالا گرفته
است. تضادهای احتمالی
افزایش یافته و وخیم تر می
شوند، به دنبال تشدید استثمار
طبقه کارگر، بالا رفتن قیمت
مایحتاج، بالا رفتن ناگهانی
مالیات بمنظور اجرای اهداف
نظامی و بیکاری مزمنی که
گریبانگیر برخی از کشورهای
کاپیتالیستی شده، سطح زندگی
کارگران دچار افت شده است و
به همین دلیل نیز مبارزه طبقه
کارگر و بخش وسیعی از توده ها
بمنظور کسب حقوق و منافع خود
حادثه است. کاپیتالیسم
دیگر قادر به جلوگیری از

بحرانهای اقتصادی و اجتماعی
نیست.
در چنین شرایطی، دو
راه کاملاً متضاد در مسیر حوادث
بین المللی مشخص شده است.
از یک سو، نیروهای
امپریالیستی که توسط مجامع
ارتجاعی آمریکای رهیبری می-
شوند، از پس از جنگ دست به
اعمال سیاست "وضعیت قدرت"
(۱) زده اند. این سیاست از
سوی وحشی ترین عناصر امپریا-
لیسم دیکته می شود و هدف آن
سرکوب جنبش کارگری، جنبش-
های دمکراتیک و آزادبخش
ملی، انهدام کمپ سوسیالیسم و
استقرار تسلط خود در مقیاس
جهانی می باشد. این سیاست در
عمل به معنای مسابقه تسلیحات
- تی لحام کسب شده ای می باشد
بدین ترتیب که پایگاه های
نظامی آمریکایی در تمام طول
- روز شوروی و کشورهای
دمکراتی توده ای برقرار شده
است. از سوی دیگر بلوک هایی
بر علیه کشورهای کمپ سوسیا-
لیستی و بمنظور حمله به آنها
ایجاد شده و بالاخره ضمن دا من
زدن به "جنگ سرد" گسترده ای
بر علیه دول سوسیالیستی،
جنگهای خونین دیگری تدارک
دیده شده است.

از سوی دیگر نیروهایی
که برای ایجاد صلح پایدار و
امنیت خلقها در سطح جهانی
مبارزه می کنند، روز به روز

وسیع ترونیرومند ترمی گردند . این نیروها بر علیه جنگهای احتمالی و بمنظور همزیستی مسالمت آمیز بین دولی که به سیستمهای اقتصادی واجتماعی متضادی تعلق دارند ، مبارزه حادی را ادامه میزنند آنچه که در این بین نقش تعیین کننده را بازی می کند ، گسترش دامنه نفوذ کمپ جهانی سوسیالیسم بر روی وقایع دنیا می باشد . نیروهای طرفدار صلح بدلیل ظهور یک گروه دولتی صلح طلب در اروپا و آسیا ، افزایش یافته اند . این دول اعلام نموده اند که محور سیاست خارجی آنها ، عدم شرکت در بلوک های نظامی می باشد . بدین ترتیب طیف وسیعی از عناصر طرفدار صلح تشکیل شده که دول صلح طلب سوسیالیست یا غیر سوسیالیست اروپا و آسیا ، یعنی بیش از نیمی از جمعیت کره زمین را در بر می گیرد .

تلاشی سیستم استعماری امپریالیسم یکی از وقایع مهم تاریخی جهان در دوره پس از جنگ جهانی می باشد . طی ده سال گذشته ، مبارزات آزادی بخش ملی خلقهای مستعمره و نیمه مستعمره پیروزیهای فراوانی ببار آورده است : بیش از یک میلیون اردو دو بیست هزار میلیون نفر ، یعنی قریب به نیمی از جمعیت کره زمین خود

را از قید وابستگی استعماری و نیمه استعماری رها نموده اند و مسئله نابودی کامل سیستم استعماری در دستور کار روز قرار دارد . در تاریخ جهان ، دوره جدیدی که توسط لنین کیرنیز پیش بینی شده بود ، ظهور کرده است . خلقهای مشرق زمین نقش فعالی در سرنوشت خلقهای جهان بازی کرده و به عامل جدید و نیرومندی در زمینه روابط بین المللی بدل شده اند .

احزاب کمونیست که امروز بمثابه مرکز مبارزه برای حفظ صلح ، منافع کارگران و استقلال ملی کشورهای خود می باشند ، در مقابل خطر جنگ به عنوان فعالترین و معقول ترین مبارزین قلمداد می شوند .

تعداد محافلی که مواضع ضد جنگ اتخاذ می نما بیند نیز کثیر می باشد . تشکیل جبهه متحدی توسط کلیه نیروهای مخالف جنگ ، امر مهمی در جهت تقویت صلح می باشد . این نیروها نباید کوشش خود را در جهت مبارزه برای حفظ صلح رها سازند . پایان دادن به انشعابات درون جنبش کارگری و برقراری ارتباط واقعی میان احزاب کمونیست و سوسیالیست و همچنین میان احزابی که فی الواقع علاقمند

به دفاع از صلح ، مبارزه علیه ستم امپریالیسم ، دفاع از منافع ملی خلقهای کشورهای خود ، دفاع از دموکراسی و استقلال می باشند ، امر بسیار مهمی در این زمینه است .

کنگره سیاست خارجی صلح را که توسط ک.م.ج.ک.ش و دولت شوروی اعمال می شود تأیید می کند . اعمال ایمن سیاست باعث بدست آمدن موفقیت های مهمی در امر تشنج زدایی بین المللی ، تقویت صلح و استحکام مواضع نیروهای دمکراتیک شده است .

کنگره بیستم حزب معتقد است که خط ک.م. و دولت شوروی مبنی بر اعمال پرنسیپهای لنینی و همزیستی مسالمت آمیز در جهت بهبود روابط و تقویت اعتماد دوجانبه و همکاری با کلیه کشورها مطلقاً صحیح می باشد . اصول پنجگانه روابط بین المللی که توسط بسیاری از دول و طیف وسیعی از مجامع و افکار عمومی ، به رسمیت شناخته شده است ، می تواند نقش مهمی در این جهت ایفا نماید . این اصول عبارتند از احترام متقابل به تمامیت ارضی و قلمرو کشورها ، عدم تجاوز ، عدم دخالت در امور داخلی ، گسترش روابط بین دول بر مبنای برابری و امتیازات دوجانبه ، همزیستی

مسالمت آمیز و همکاری اقتصادی در شرایط حاضر، این اصول بهترین نوع رابطه میان دول مختلف با رژیم های اجتماعی متفاوت می باشد و می تواند پایه روابط صلح آمیز و دوام دول جهان را تشکیل دهد.

مسیر زندگی، صحت و مساعدت پیشنهادات شوروی، جمهوری خلق چین و سایر دول صلح طلب را مبنی بر خلع سلاح، ممنوعیت سلاحهای اتمی و نیدروژنی، و تضمین امنیت عمومی دز اروپا و آسیا را تأیید کرده است. حل چنین مشکلات مهمی زمینه صلح مستحکم و دوامی را آماده کرده و در حل سایر معضلات مهم و لاینحل را از جمله مسئله آلمان، فراهم می سازد.

برقراری روابط دوستانه و مستحکم میان شوروی و آمریکا، دوا بر قدرت جهان، و همچنین میان شوروی و سایر قدرتهای بزرگ نظیر انگلیس و فرانسه دارای اهمیت بسزائی در استحکام صلح در سراسر جهان می باشد.

کنگره بیستم اقداماتی را که در این جهت از سوی شوروی انجام گرفته مسا عد و صحیح ارزیابی می کند.

صلح پایدار و امنیت خلقهای اروپا مستلزم بهبود روابط میان شوروی و سایر

کشورهای اروپای غربی می باشد. منفعت شوروی بریتانیای کبیر، فرانسه، ایتالیا، لهستان، چکسلواکی، یوگسلاوی، سوئد، فنلاند، نروژ، یونان، اتریش و سایر کشورهای اروپائی ایجاب می کند که از بروز یک جنگ دیگر در اروپا جلوگیری شود. چرا که این قاره صحنه اصلی ترین نبردهای جنگ اول و دوم جهانی بوده است.

منافع خلق آلمان نیز در این زمینه همین مسئله را ایجاب می کند. بدین ترتیب کلیه دول و خلقهای اروپا حول منافع مشترک خود مبنی بر دفع جنگهای مسلح دیگری، متحد می باشند.

گسترش و تقویت روابط دوستانه و همکاری میان شوروی و کشورهای شرقی نیز قادر به ایفای نقش مهمی در وضعیت جهانی حاضر می باشد. کنگره بیستم اهمیت بسزایی برای حل این مشکل قائل می شود و برقراری اخیر روابط دوستانه میان شوروی با جمهوری هندوستان، بیرومانی و افغانستان و مصر را تأیید می کند.

قاطعیت خلقهای کشور - های عرب در مورد حفظ و بقای استقلال ملی خود پاسخ به هدف استحکام صلح و دمکراسی می باشد.

کنگره بیستم در کمال رضایت اذعان می دارد که

روابط دوستانه و مساعدت همسایگی میان شوروی و قریب به کل کشورهای مجاور برقرار شده است. بدون شک اتحاد روابط عادی میان شوروی و ایران، ترکیه و پاکستان مطابق منافع حیاتی این کشورها و صلح و امنیت خلقها می باشد.

تجارت بین المللی و رشد روابط فرهنگی قادر به ایفای نقش حائز اهمیتیتی در جهت استقرار همکاری میان کشورها می باشد. کنگره بیستم معتقد است که در حال حاضر، مسائل مهم اصول مربوط به رشد فعلی بین المللی، از جمله همزیستی مسالمت آمیز دو سیستم، امکان پیش بینی جنگ در دوران حاضر و شیوه های گذار کشورهای مختلف به سوسیالیسم دارای اهمیت خاصی می باشند.

اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز دو سیستم های اجتماعی متفاوت کلی سیاست خارجی شوروی بوده و می باشند.

با هدایت شورمان به سوی ساختمان کمونیسم، حزب ما با قاطعیت با آغاز جنگ مخالفت می کند. حزب از هنمود تغییرناپذیر لنین "تشکیل یک سیستم اجتماعی نوین در هر کشور جزء امورد داخلی مردم همان کشور می باشد"، پیروی

می‌نماید. کنگره با کمال رضایت شاهد نفوذ روزافزون اصل همزیستی مسالمت‌آمیز می‌باشد.

مهمترین وظیفه اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی سایر کشورهای صلح طلب و وسیعترین توده‌های مردم کلیه کشورها، حفظ صلح مستمر و پیش‌بینی جنگها و یورشهای نوین می‌باشد. در شرایط بین‌المللی حاضر، برای جلوگیری نیروهای مهاجم امپریالیسم از درگیرکردن مردم در جنگهای جدیدی که بدلیل مدرن بودن و سطح تکنیک نظامی جزف‌قرو ویرانی و مصیبت حاصلی برای آنها نخواهد داشت، امکانات واقعی وجود دارد. سیستم سرمایه‌داری، دیگر تنشها سیستم اجتماعی موجود در جهان نیست. در مقابل آن کمپ نیرومندی متشکل از کشورهای سوسیالیستی وجود دارد که طرفدار صلحی می‌باشد که از طریق آن نیروهای صلح‌طلب بتوانند امکانات مادی و معنوی پیش‌بینی یک تهاجم جدید را تدارک ببینند. در کنار آن دول دیگری وجود دارد که نماینده صدها میلیون نفر می‌باشند و به شدت با جنگ مخالفت می‌کنند. جنبش نیرومندی نیز به هواداری از صلح کلیه خلقها وجود دارد. جنبش کارگری کشور

های کاپیتالیستی بصورت نیروی عظیمی خود را مطرح ساخته است.

در چنین شرایطی بدون شک تزلزلین نیز بقوت خود باقی می‌ماند که طبق آن تا روزی که امپریالیسم وجود داشته باشد، زمینه اقتصادی آغاز جنگهای جدیدی نیز وجود دارد. بدین جهت ما نیز باید هوشیاری خود را حفظ کنیم. تا روزی که کاپیتالیسم در جهان وجود داشته باشد، نیروهای ارتجاعی مدافع منافع انحصارات کاپیتالیستی سعی خود را در جهت دامن زدن به اعمال نظامی و تهاجم ادامه خواهند داد و کوشش خواهند نمود که جنگ دیگری را آغاز نمایند. با این وجود، جنگ محتوم و مقدور نیست. در حال حاضر قدرتهای اجتماعی و سیاسی نیرومندی وجود دارد که امکانات جدی جلوگیری از آغاز جنگ امپریالیستی را در اختیار دارند. این قدرتها همچنین توان مقابله با تجاوزگران و خنثی نمودن نقشه‌های ماجراجویانه آنها را دارا می‌باشند. بدین منظور می‌بایست کلیه نیروهای مخالف جنگ مراقب و هوشیار بوده، متحداً جبهه تشکیل داده و تلاش خود را در جهت حفظ و استحکام صلح‌ها سازند.

همراه با ایجاد تغییرات مهم تاریخی به نفع سوسیالیسم و در سطح جهان، دورنمای جدیدی برای گذار کشورها از کاپیتالیسم به سوسیالیسم بوجود آمده است.

ح. ک. ش. از این نظریه لنین الهام می‌گیرد که: "کلیه ملت‌ها به سوسیالیسم گذار خواهند کرد، این امر غیر قابل اجتناب است، ولی شیوه گذار همگی آنها کاملاً یکسان نخواهد بود. هر یک با مشخصات خاص خود بشکلی از دمکراسی یا دیکتاتوری پرولتاریا خواهند رسید و روند تغییر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی همگی آنها به سوسیالیسم یکسان نخواهد بود."

تجربه تاریخی رشد و پیشرفت کشورهای سوسیالیستی این نظریه لنین را ثابت کرده است. امروز در کنار شیوه شورایی با سازی جامعه بر پایه اصول سوسیالیستی، شیوه دمکراسی توده‌ای وجود دارد که در طی ده سال کلیه جنبه‌های آن آزمایش شده و به ثبوت رسیده است. همچنین در کشور-های دمکراسی توسعه‌ای اختلافات و تفاوتهای فراوانی بر حسب شرایط هر کشور مشاهده شده است. (بعنوان مثال) جمهوری خلق چین خطوط خاص خود را در شیوه ساختن سوسیال

لیسم دارا می باشد. قبل از پیروزی انقلاب، اقتصاد این کشور بسیار عقب افتاده بود و خصوصیت نیمه فئودال، نیمه استعماری داشت. دولت توده ای دمکراتیک چین، پس از تصرف قدرت، راه تغییر مصالحه آمیز اقتصاد و بازگانی خصوصی را بمنظور جذب تدریجی آنها در اقتصاد سوسیالیستی در پیش گرفته است.

بسیار طبیعی است که شیوه های گذار کشورها به سوسیالیسم هر چه بیشتر متفاوت باشد. گذار به سوسیالیسم ضرورتاً و در کلیه شرایط موجب بروز جنگ داخلی نمی شود. لنینیسم چنین می آموزد که طبقات حاکم و طلبانه قدرت را رها نمی کنند. لیکن درجه خشونت مبارزه طبقاتی برای گذار به سوسیالیسم و لزوم یا عدم لزوم کاربرد قهر، بیش از آنکه به پیرولتاریا بستگی داشته باشد، به میزان مقاومت استثمارگران در مقابل اراده عظیم کارگران و به کاربرد قهر توسط طبقه استثمارگر بستگی دارد.

بدون شک برای کشورهایی که کاپیتالیسم در آنجا هنوز قوی بوده و دستگاه عریض و طویل نظامی و پلیسی را کنترل می کند، تشدید ناگهانی مبارزه طبقاتی ناگزیر می باشد.

در عین حال بدلیل بروز تغییرات بنیادی به نفع سوسیالیسم در صحنه جهان و افزایش قابل توجه اعمال نیروی جذب سوسیالیسم بر روی کارگران، دهقانان و روشنفکران^(۲) شرایط پیروزی سوسیالیسم مساعدتر شده است. در حال حاضر در برخی از کشورهای کاپیتالیستی، طبقه کارگر به رهبری عنصر پیشرو، امکان واقعی اعمال رهبری خود را بر روی اکثریت توده ها و انتقالات شیوه های اصلی تولید به دست خلق را دارا می باشد.

احزاب بورژوازی و دولتی که تشکیل می دهند روز به روز ورشکسته تر می شوند. از این پس، طبقه کارگر - با کمک دهقانان فقیر، محافظان روشنفکری، کلیه نیروهای میهن پرست آماده مقابله جدی با عناصر اپورتونیستی که قادر به صرف نظر از سیاست آن تانانت با کاپیتالیستها و بازمین - داران بزرگ نمی باشند - امکان شکست نیروهای ارتجاعی و ضد خلقی و بدست آوردن اکثریت ثابتی در پارلمان و تبدیل ارگان دمکراسی بورژوازیی بوسیله ای در خدمت اراده خلق را دارد.

کنگره تا کید می کند که تنها دلیل مساعدتر شدن شرایط برای پیروزی سوسیالیسم در

سایر کشورها، پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دورنمای پیروزی آن در کشورهای دمکراسی توده ای می باشد. شرط اصلی این پیروزی، بدون شک پیروزی م. ل. انقلابی و مبارزه معقول و قاطع بر علیه ایدئولوژی رفرمیسم و اپورتو - نیسم بوده است.

در زمینه سیاست خارجی کنگره وظایف زیر را به ک. م. ج. ک. ش. واگذار می کند:

- کاربرد مداوم سیاست لنینیستی همزیستی مسالمت آمیز بین دول، صرف نظر از سیستم اجتماعی آنها. مبارزه فعال در جهت صلح و امنیت خلقها و اعتماد متقابل دول، حین تلاش در جهت تبدیل تشنج زدایی بین المللی به صلحی پایدار - استحکام روابط برادرانه با جمهوری خلق چین و سایر کشورهای دمکراسی بر طبق این اصل که هر چه دول سوسیالیستی متحد تر و نیرومندتر باشند، صلح مستحکم تر خواهد بود.

- تشدید روابط دوستانه و همکاری با خلقهای برادر جمهوری فدراتیو توده ای یوگسلاوی

- تشدید روابط دوستانه و همکاری با جمهوری هندوستان، اتحادیهirmanی، افغانستان، مصر، سوریه، اندونزی و سایر کشورهای طرفدار صلح

مشکلات پناهندگان ایرانی در ترکیه را بهتر بشناسیم

به نقل از: "خبرنا مه پناهنده"

اندیشه فرار از ایران و رسیدن به یکی از کشورهای پناهنده پذیرد در میان قشر عظیمی از ایرانیان، مسائل و مشکلات بسیاری را ایجاد کرده است، آن عده که می‌توانند از مرزهای "قانونی" عبور کرده و خود را به سرزمین دیگر برسانند در این مسیر با موانع کمتری مواجه هستند. اما آن‌ها که باید خود و خانواده‌شان را به نحوی از ایران خارج سازند و از طرفی خروج آن‌ها "غیر قانونی" اعلام شده و وضع دیگری دارند. پرداخت مبالغ هنگفت به شبکه‌ها و عوامل عبور از مرز کمرشکن است. افرادی که تصمیم به خروج از ایران از طریق این شبکه‌ها می‌گیرند مجبورند که کلیه دار و ندار و سایر مل معیشت خود را به حراج گذاشته و مبلغ گزافی را به این عوامل پرداخت کنند، پیمودن راه‌های ناهموار و کوهستان‌های مرزی طی چندین شب و روز متوالی، وحشت و اضطراب، خستگی مفرط و ترس از دستگیری توسط عوامل رژیم خود مسئله دیگری است. با رسیدن به اولین روستاهای مرزی ترکیه انسان چنین می‌پندارد که سفر به پایان رسیده و مشکلات تمام شده است اما غافل

از اینک که این تازه آغاز راه است. چرا که اولین مشکل حرکت از این روستاها و رسیدن به یکی از شهرهای مرزی ترکیه مانند وان، دویا یزید و حکاری است. وان یکی از شهرهای مرزی ترکیه و ایران است. فراری ایرانی مجبور است، این شهر را پشت سر بگذارد. و اینجا است که فراری ایرانی باید خود را آماده گلاویز شدن با پلیس ترک و سایر نیروهای امنیتی ترکیه سازد.

در شهر وان پلیس ترکیه تمام نیرو و تلاش خود را در شنا سازی و دستگیری فراریان ایرانی بکار گرفته است به ظاهر شدن در خیابان‌های این شهر حتی برای چند دقیقه خطر دستگیری را بدنبال دارد. تا کنون موارد بیشماری از دستگیری فراریان و تحویل آن‌ها به نیروهای ایرانی دیده شده. ناگفته نماند که فراریان را قبل از تحویل بمدت چند روز حتی چند ماه در بازداشت گاه‌ها و زندان‌های مرزی تحت شکنجه‌های جسمی و روانی قرار می‌دهند و سپس آن‌ها را به صورت گروهی روانه ایران می‌سازند. گروه‌سومی هم در میان این فراریان وجود دارد و آن کسانی هستند که به محض ورود

به شهرهای مرزی خود را به پلیس ترکیه معرفی می‌کنند. این‌ها نیز وضعی مشابه بقیه دارند. پلیس ترک بلافاصله آن‌ها را بازداشت کرده و سؤال و جواب‌ها و بازجوئی‌های مکرر و طولانی همراه با خشونت و فحش و ناسزا شروع می‌شود:

که هستی؟ چکاره بوده‌ای؟ از کجا می‌آیی؟ برای چه آمدی؟ چقدر پول داری؟ سیاسی هستی؟ چرا غیر قانونی آمدی؟ و... اگر پناهنده‌ای توانست به تمام این سئوالات جواب مناسب بدهد و از این بازجوئی‌ها جان سالم بدربرد، تازه دوران اقامت یا بهتر بگوئیم حبس طویل‌المدت او در کمپ‌های آوارگان فرا می‌رسد.

ناگفته نماند که این شیوه پلیس ترکیه در گذشته بوده است. در حال حاضر هر پناهنده‌ای که خود را به پلیس معرفی کند، بلافاصله بازداشت و بدنبال آن به ایران تحویل داده می‌شود. کمپ آغری یکی از کمپ‌های پناهندگان است که فراریان قدیمی و پذیرفته شده در آن بسمی‌پرند. از مرزبانان و شهرمرزی دویا یزید که بگذریم به آغسری می‌رسیم. این کمپ در حال حاضر تعداد کثیری از فراریان

ایرانی و افغانی و عراقی را در خود جای داده است که در فضای داخلی کمپ مراقبت - های شدید پلیسی اعمال می - شود. حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی را در این کمپ نمی توان دید. انواع بیماری - های که "زندانیان" به آن مبتلا می شوند، فراوان است. از همه اینها که بگذریم مسئول - لین کمپ آغری به همین هم اکتفا نکرده و فراریان را به کارهای شاق روزانه و بیگاری وادارند. در سالهای گذشته مدت اقامت در این کمپ ها معمولا ۳۰ تا ۵۰ روز تجاوز نمی کرد، اما در حال حاضر فراریانی هستند که برای چندین ماه در این کمپ ها بسر می برند. نکته جالب دیگر در همین رابطه اینست که در گذشته افرادی که دوره کمپ را می گذرانند نمی توانستند به شهرهای بزرگ رفته و از آنجا برای خروج خود از ترکیه اقدام کنند. ولی سیاست دولت ترکیه در حال حاضر تغییر کرده و هیچ پناهنده ای حق ورود به شهرهای مرکزی و بزرگ ترکیه را ندارد و باید در همان شهرهای کوچک مرزی ساکن شود. حالا این فراریان چگونه می توانند راهی برای خروج خود از ترکیه

بیا بند و چگونه می توانند به شعبه سازمان UN که فقط در دو شهر استانبول و آنکارا دایر است، دسترسی پیدا کنند، خود جای سؤال است.

ایرانی فراری برای خروج از ترکیه دوراه بیشتر در پیش ندارد، یکی متوسل شدن به قاچاقچیان که با مبالغ بسیار گزافی ویزای این یا آن کشور را می فروشند و تازه غالبا هم عملیاتشان ناموفق و ناتمام می ماند و در فرودگاهها بین راه پناهندگان را کت - بسته تحویل پلیس می دهند و دوباره بازگشت به ترکیه و ... راه دوم: مراجعه به UN است، پذیرفته شدن توسط UN و قبولی در مصاحبات اولیه "شانس" است که نصیب هر پناهنده ای نمی شود. پناهند - گانی هستند که مراحل پذیرش آنها از جانب UN ماهها به طول می انجامد.

موارد بسیاری دیده شده که پناهندگان با وجود آنکه تحت پوشش UN بوده اند از قلب شهرهایی چون آنکارا و استانبول به ایران باز گردانده شده اند.

با توجه به مشکلات و مسائلی که از ابتدای ورود به ترکیه پیش روی پناهندگان ایرانی قرار دارد، این سؤال مطرح می شود که برای حل این

مشکلات یا به حداقل رساندن آنها چه باید کرد؟ کدام مرجع را باید مورد نیاز خواست قرار داد؟ به کدام دادگاه باید شکایت برد؟

پاسخ این سئوالات برای ما روشن است. برای ما که نوک تیزترین های دژ خیمان رژیم جمهوری اسلامی را بر تارک خود لمس کرده ایم و با بیرون جستن از زیر آن، تولد دوباره یافته ایم. همه ما خوب می دانیم، دادگاه های که در آن باید مسیب و عامل اصلی این همه فلاکت و سرگردانی و آوارگی مجازات شود در انقلاب آتشی ایران تشکیل خواهد شد و کیفرخواست رژیم جمهوری اسلامی را همه ستم دیدگان با دستهای توانای خود خواهند نوشت. همه ما روزی با خواهیم گشت و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را جشن خواهیم گرفت.



دو خبر را جع به پناهندگان

"احساس مسئولیت" UN در قبال پناهندگان

به اطلاع رسیده، چندی پیش یک پناهنده ایرانی در استانبول توسط پلیس دستگیر و تحویل ایران داده می شود. نکته جالب اینجاست که در حین انتقال این پناهنده به ایران

با کمکهای مالی خود سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را در امر انقلاب یاری رسانید

مارک	مارک	هزار لیر	سوئد	کرون
م - آغاز مجدد	رفیق نابدل	۱۰۰	زنده باد استقلال	۱۵۰
صدای فدائی	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰	طبقاتی کارگران	۵۰
انگلیس	پوند	۱۰۰	زنده باد سچفا	۵۰
رفیق هادی	۵۰۰	۱۰۰	اسماعیل رودگریان	۵۰
رفیق نسترن	رفیق شانه چی	۳۵	س	۵
هدیه شما رسید	س - ۲۰	۵۰	ه	۵
آلمان	مارک واحد برلین	۱۵۰	فرانک	۵۰۰
فرانکفورت	واحد	۱۰۰	بدون کد تولوز	۲۰۰
دی ۴۲	۵۰	هاید لبرگ	س - ل - لیل	۱۵۰
بزرگداشت قیام و	سیاهکل و قیام	۱۲۰	بیژن حزی	۱۲۰
سیاهکل	۲۰۰	رفقای هاید لبرگ	۱۵۰	خط سرخ فدایی
سمینار سراسری	۵۰۰	ایتالیا	بشخور	۵۰
هامبورگ	زنده باد اخلاق	هزار لیر	انوشه فضیلت کلام -	۳۰۰
۹۸۶	۴۰	انقلابی	هدیه شما رسید	۵۰۰
اُئل ها و اسی (۱)	۴۰	مرگ بر	زنده باد	۶۵۰
اُئل ها و اسی (۲ و ۱)	۱۰۰	اپورتونیسیم	کرون	۱۰۰
اُئل ها و اسی (۲)	۱۰۰	۵۰	م - ۱	۴۵۰
کاوه م - ع	۵۰	رفیق اسکندر	۴۰۰	۱۰۰۰
بیژن جنتی س ع	۵۰	سعید - صمد	۳۰۰	۳۰۰
هفته زنان هامبورگ	۲۰	بدون کد	مرگ بر	۶۰۰
برلن	رفیق نظام	۱۰۰	اپورتونیسیم	۹۰۰
رفیق هادی	۱۰۰	رفقای استکھلم	۷۰۰	۷۰۰
رفیق کاظم	۱۰۰	آکسیون اعتراضی	استقلال طبقاتی	۵۰۰
رفیق سعید	۱۰۰	شوراهای کارگری	۸۰۰	۲۰۰
سلطانپور	۱۰۰	بدون کد	۱۰۰۰	۱۰۰۰
رفیق جهان	۱۰۰	مرگ بر جنگ		
رفیق سیادت	۱۰۰			

کمکهای مالی خود را به حساب

AAH
739066 F
Credit Lyonnais
134 Bd. Voltaire
75011 Paris
France

واریز نمایید و رسید بانکی را به همراه کد

دلخواه خود به نشانی زیر بفرستید

ACP
BP 54
75261 Paris, cedex 06
France

من

این گل را می شناسم

در سالگرد به خون تپیدن فدائی خلق
رفیق امیر پرویز پویان

خون گوزن، جنگل پویان دیگری ست

بعد از صدای پویان

بعد از حریق سوخته شعله ور

بعد از حریق توفان

بعد از صدای جنگل

ایران

دیگر

ما نند رودخانه خونینی ست



مسواند سرباب کار، رنگای گدل، تابی اسار

و جهان را از نسانی های ریز درخواست کند

R.E., Postfach 831135,
6230 Frankfurt M80,
W. Germany.

آلمان

Hadi, P.O. Box 419
N.Y., N.Y. 10185,
U.S.A.
M.R. KASH
South Kensington S.D.O
25 A Exhibition Road
London SW 7
United Kingdom
H-N
C.P. 688
Padova
Italie.

آمریکا

انگلستان

E.J., B.P. 8,
1050 Bruxelles 5,
Belgique.

بلژیک

K-U 32, P.O. Box 8418,
Pakistan.

پاکستان

I.S.F.
Box 7125
171017 SOLNA
Sweden

سوئد

A.E.J.F., B.P. no 401
75962 Paris Cedex 20,
France.

فرانسه

J.S.S., P.O. Box 372, Ab aAhurtsic Station,
Montreal P.Q., H3L 3N9,
Canada.

کانادا

J.S.O.U., P.B. 12,
7082 Kattem,
Norway.

نروژ

P.O. Box 7051,
New Delhi 65,
India.

هند

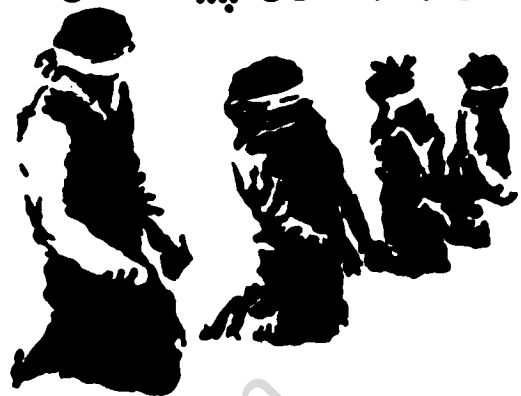
پوزش: به علت فشرده گی مطالبه
صفحه های "از خوانندگان" و
"واژه های روز" در شماره بعدی
به چاپ خواهند رسید.

گرچه ما میگذریم

راه میماند

یادواره به خون پییدگان

غم نیست!



رفیقان مرگ ترا باور نمیکنند،
چرا که دشمن
به مرگ تو باور نکرده است.
مرگ تو معوق غم را
از هم شکافت
و دیدند همسران تو
تعداد دشمن خلق را
با شهادتت ای رقیب!

اسامی برخی از شهدای فدایی خرداد ماه
و تیر ماه

تاریخ شهادت

نام و نام خانوادگی

۱۳۵۵ سر ۸
۱۳۵۵ سر ۸
۱۳۵۵ سر ۸
۱۳۵۵ سر ۸
۱۳۵۵ سر ۸
۱۳۵۶ سر ۱
— سر ۱
۱۳۵۷ سر ۱۵
۱۳۵۷ سر ۱۵
۱۳۵۷ سر ۱۵
۱۳۵۸ سر ۲۱
۱۳۵۹ سر ۶
۱۳۵۹ سر ۲۳
۱۳۶۰ سر ۱
۱۳۶۰ سر ۶
۱۳۶۰ سر ۷
۱۳۶۰ سر ۷
۱۳۶۰ سر ۱۵
۱۳۶۰ سر ۱۸
۱۳۶۰ سر ۲۵
۱۳۶۰ سر ۲۱
۱۳۶۰ سر ۲۱
۱۳۶۰ سر ۲۷

۲۳ خرداد ۱۳۲۹ ظاهره حرم
۳ خرداد ۱۳۵۰ عسکر حسن اسوده
۳ خرداد ۱۳۵۰ محمد مهدی قوامی
۳ خرداد ۱۳۵۰ علامعلی خراط پور
۹ خرداد ۱۳۵۰ علی اکبر ورسری
۱۱ خرداد ۱۳۵۲ کاظم میرانی
۲۸ خرداد ۱۳۵۲ محمدعلی خسروی اردبیلی (در طغاری)
۲۸ خرداد ۱۳۵۲ فرهاداد حسینی
۲۸ خرداد ۱۳۵۲ سید احمد هاشمی
۵ خرداد ۱۳۵۵ سیمین سوکلی
۵ خرداد ۱۳۵۵ مامرضا حبیبی
۸ خرداد ۱۳۵۵ دکتر برکت
۳۱ خرداد ۱۳۵۵ سید الهادی
۳۱ خرداد ۱۳۵۵ سید زینب حدادی
۱ خرداد ۱۳۵۷ محمدرضا امیر قصاب آزاد
۱ خرداد ۱۳۵۷ میرزا عباسی
۳۱ خرداد ۱۳۵۷ مسعود میرزا
۳۱ خرداد ۱۳۵۷ علی خصوصی
۲۲ خرداد ۱۳۶۰ اکبر حق ندان
۲۲ خرداد ۱۳۶۰ حبیب محسنی کسری
۲۲ خرداد ۱۳۶۰ سرو مدنی
۳۱ خرداد ۱۳۶۰ طبع رمضانی
۳۱ خرداد ۱۳۶۰ علی اکبر حیدریان
۳۱ خرداد ۱۳۶۰
۳۱ خرداد ۱۳۶۰
۱۲ خرداد ۱۳۶۱
۲۵ خرداد ۱۳۶۱
۲۷ خرداد ۱۳۶۱

حسن سید داوودی
امیر پرویز نوبان
رحمت الله سرو بندری
اکتدر صادقی نژاد
سروور دهقانی
حمید نژادان خسروناهی
علیرضا شهاب رضوی
خسرو سرهگل
حسن سلاجی
مریم ساهی
سید ساجان تام اسبی
منا طالبزاده موسوی
علی رحمتی علی آبادی
حسن موسوی دوستدومحالی
رفعت معماران نام
سلیمان سوسه حاجی محله
سعد معینی
حسن معصومی همدانی
ماریا کاظمی
منصور میرزا
مهدی سلیمان
سعد سلطان پور
منوچهر اوسبی
جعفر میرزا نژاد
سپهر آذران
سعد ساجور
شیرام میرانی (همد)
ولی سوسی

۱۴ سر ۱۳۵۰
۱۴ سر ۱۳۵۰
۶ سر ۱۳۵۴
۶ سر ۱۳۵۴
۶ سر ۱۳۵۴
۶ سر ۱۳۵۴
۶ سر ۱۳۵۴
۲۵ سر ۱۳۵۴
۸ سر ۱۳۵۵
۸ سر ۱۳۵۵
۸ سر ۱۳۵۵
۸ سر ۱۳۵۵
۸ سر ۱۳۵۵

کاظم سلاجی
احمد حرم آبادی
مارسک فاراربان
زهرا السادات روحی آهنگران
علامعلی سور جمعه
محمود عظمی بلوربان
بداله رابع کارسری
عبداله سعیدی بندجی
حمید اشرف
سید فایح خشکسجاری
علامرضا لایق مهراسی
رضا سربسی
فاطمه حسینی
محمد حسن حقپور

فرم اشتراک

برای اشتراک نشریه ی **یادواره**، لطفا فرم زیر را تکمیل کنید و آنرا به یکی از نشانی های هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور بفرستید.

□ ۶ ماه
□ ۱۲ ماه

(با علامت □ مشخص کنید)

نام و نشانی
.....
.....
.....
.....

GAHAN

Organ of the student supporters of the Organisation
of Iranian Peoples' Fedaii Guerrillas -abroad

Vol. XI

JULY 87

No: 52



برای تماس با جهان یا نشانی زیر مکاتبه کنید:
B.P. N° 401-75962 Paris Cedex 20 France